

علی ۷ ساله با وجود نابینا بودن
پا در عرصه حفظ قرآن و داستان‌های ادبی گذاشته است

آرزوهای روشن علی



امید
محله

سید مصطفی بهشتی از آن روزهایی که سن تزریق واکسن کرونا در هر هفته دوسال کاهش پیدا می کرد تا امروز که واکسن برای همه افراد بالای ۱۸ سال در دسترس است ۱۰ ماه گذشته است. اما یک تفاوت در رفتار شهروندان مشهود است. آن روزها بیشتر مردم تشنه تزریق واکسن کرونا بودند اما این روزها برای تزریق دوز سوم واکسن بی تفاوت هستند. به همین منظور برای بررسی میزان مشارکت شهروندان برای تزریق واکسن کرونا و نظر آن هادرباره دوز سوم در یکی از مراکز تزریق واکسن در منطقه ۱۱ حاضر شدیم.

نظم دهی در تزریق دوز سوم

مرکز خدمات جامع سلامت ابا عبد... الحسین^(ع) جزو اولین مراکزی بود که تزریق واکسن کرونا را آغاز کرد. حالاً بین هفته و حدود ساعت ۱۲ ظهر در این مرکز حاضر شده ایم، حدود ۱۰ نفر در صف هستند و تزریق واکسن منظم و بانویت دهی انجام می شود که نسبت به ماه های قبل یک اتفاق مثبت است. حضور قبلی مادر این مرکز در اواسط اردیبهشت ماه بود که تزریق دوز اول واکسن فقط برای افراد بالای ۷۰ سال به بالا ممکن بود و این مرکز نسبت به امروز بسیار شلوغ تر بود. این روزها در این مرکز دوز واکسن سینوفارم و پاستوکوک برای تزریق هر سه دوز موجود است اما حضور شهروندان با وجود خطری که در کمین آن هاست کم رنگ است.

انتظار برای پایان دوره ۳ ماهه

امیرعباس جهانی یکی از شهروندانی است که برای تزریق دوز سوم واکسن کرونا در مرکز خدمات جامع سلامت ابا عبد... الحسین^(ع) حاضر شده است. درباره ضرورت تزریق دوز سوم می گوید: دوز اول و دوم را کی زدیم؟ وقتی که پزشکان داخلی و خارجی تأیید کردند و مردم را به این کار تشویق کردند. درباره دوز سوم هم وضعیت همین است. هم پزشکان اصرار دارند که دوز سوم را تزریق کنیم و هم اینکه این ویروس روز به روز تقویت می شود و به شکل جدیدی ظاهر می شود. الان هم که مشخص شد این واکسن هادر هر نوعی که باشد می تواند آمار ابتلا و مرگ را کاهش دهد. پس باید دوز سوم را تزریق کنیم. در این مدت منتظر بودم دوره سه ماهه تزریق دوم تا سوم تمام شود، دوروز پیش این مدت سپری شد اما آمد سینوفارم نبود امروز دوباره آمد تا واکسن را تزریق کنم که زمان از دست نرود. البته در بین اطرافیان خودم افرادی هستند که برای تزریق دوز سوم بی خیال هستند و فکر می کنند دیگر برای آن ها اتفاقی نمی افتد.

کاهش مراجعات شهروندان

نیلوفر رحمانی از کارکنان این مجموعه است که میزان مراجعات را نسبت به فصل پاییز کمتر می داند و می گوید: الان افرادی باید برای تزریق دوز سوم مراجعه کنند که دوز دوم خود را در مهرماه تزریق کرده اند. در آن زمان ما روزانه حدود ۶۰۰ تزریق داشتیم اما الان در طول روز ما حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ مراجعه کننده داریم که نسبت به مهرماه به کمتر از نصف کاهش پیدا کرده است این در حالی است که مراکز تزریق هم کم شده. در نتیجه باید افرادی از سایر نقاط شهر هم به اینجا مراجعه کنند اما می بینیم که این گونه نیست و این موضوع می تواند در هفته های بعد خطرناک باشد و سبب اوج گرفتن میزان ابتلاها باشد.

فهمیده شهری یکی دوسال اول تولدش خیلی گریه و بی تابی می کرد. مادرش که می دید با هیچی نمی تواند آرامش کند برایش قرآن می خواند. دوونیم ساله که بود داشت بازی می کرد که مادرش متوجه شد هنگام بازی آیات قرآن را زمزمه می کند. بیشتر که دقت کرد فهمید فرزندش همان ۱۵ سوره ای را که برایش می خوانده حفظ شده است. از همین موقع پی به استعداد قرآنی علی کوچولوی نابینا برد. اکنون علی بیاتی در هفت سالگی، یک و نیم جزء قرآن و تعدادی از داستان های شاهنامه، مولانا و کلیله و دمنه را حفظ است.

توجه به معنی در کنار حفظ قرآن

مرضیه کدکنی، مادر علی، می گوید: پسر من ۹۳ ساله دنیا آمد. کودکی او در نیشابور ساکن بودیم و آنجا مؤسسه ای نبود که آموزش قرآن به نابینایان را انجام دهد. اما از ۳ سال پیش که به مشهد و محله الهیه آمدم دنبال این بودم جایی ثابت نامش کنم. او از سال گذشته در یکی از مؤسسه های زیر نظر بهزیستی به طور مجازی در حال یادگیری قرآن است و کل جزء ۳۰ و نیمی از جزء یک را حفظ کرده است.

علی که با تسلط و اعتماد به نفس خاصی نشسته است، رشته سخن را در دست می گیرد و شروع به تعریف کردن می کند: دلم می خواهد کل ۳۰ جزء قرآن را حفظ کنم اما فهمیدن معنی آیات را هم دوست دارم برای همین کنار حفظ، معانی را هم از مادر یا مربی ام می پرسم.

حفظ کردن داستان های ادبی از طریق رادیو

او که از شنوندگان پروپاقرص شبکه های رادیویی ایران صدا، و سوینا است، می گوید: بیشتر برنامه های این شبکه های رادیویی را گوش می کنم و بدین طریق تعدادی از داستان های شاهنامه، مثنوی معنوی و کلیله و دمنه را یاد گرفته ام.

او داستان زندگی ائمه^(ع) و بسیاری از شهدای ایران عزیز را می داند و ارادت خاصی به سردار سلیمانی دارد که آن را با بیان دل نوشته ای که حفظ کرده است ابراز می کند: به نام پاسدار حرمت خون شهیدان، تو را می نگریم، تو را می نگریم نه آنچنان که دیگران می بینند. کیستم در برابر چون تویی که نور خدادونت جاری است. توقصه هایی سر به فلک کشیده از روشنی ساختی که دست هیچ بینایی به آن نمی رسد....

علی علاقه زیادی به مباحث پزشکی دارد. در این راستا برنامه های صوتی مربوط به نحوه فعالیت اعضای بدن را گوش می کند طوری که به قول خودش و مادرش، شب ها برای خانواده کنفرانس پزشکی می گذارد و آنچه یاد گرفته را توضیح می دهد.

دسترسی نداشتن به کتاب داستان های بریل

یکی از سختی های پیش روی علی، این است که کتاب های داستان مورد علاقه اش که با خط بریل باشد، کم و دور از دسترسش است. در این راستا مادرش می گوید: کتاب های معمولی را برایش می خرم و خودم با خط بریل آن ها را می نویسم تا علی بتواند کتاب بخواند.

علی از دوماهگی نابینای مطلق شده است برای همین بسیاری از تصاویری که نقاشی می کند ساخته ذهن خودش است. او در این تصوراتش، قبر حضرت زهرا^(س) و قبرستان بقیع را کشیده است و می گوید: یک پوشه پر از نقاشی دارم اما این دو نقاشی ام را از همه بیشتر دوست دارم.

کرونا
زندگی

مراجعات مردمی برای تزریق
دوز سوم واکسن کرونا کم است

خطر بی تفاوتی به کووید

